

مفهوم‌شناسی و اهمیت تربیت جهادی از نگاه قرآن و نهج‌البلاغه

علی نقش^۱

محمد پارچه باف دولتی^۲

چکیده

تربیت انسان‌هایی با روحیه جهادی که همواره خود را در میدان تلاش و مبارزه می‌بینند، یکی از محورهای اصلی پیشرفت، استقلال و آزادی جوامع است. محصول آرمانی تربیت از نگاه قرآن نیز، انسان مؤمن مجاهد است. تربیت جهادی در گرو داشتن تصویر روشنی است از مفهوم جهاد و جهادی بودن. در این مقاله، با محور قرار دادن قرآن و کلام امیرالمؤمنین علیه السلام، معنا و مفهوم جهاد و تربیت جهادی مشخص شده و پس از تبیین گستره و اهمیت آن، آثار و پیامدهای فردی و اجتماعی این مدل تربیتی تبیین شده است. می‌توان گفت که تربیت جهادی نقش کلیدی و غیرقابل جایگزینی را در مکتب تربیتی اسلام به خود اختصاص داده است؛ چرا که استعدادهای انسان در عرصه‌های تقابل و رویارویی با موانع، بهتر شکوفا شده و سرعت حرکت او بیشتر می‌شود. از طرف دیگر، تربیت جهادی سطح استقامت و بردباری فرد و جامعه را در شرایط سخت و حساس بالا می‌برد و روح شجاعت، شهامت، شهادت‌طلبی، خودباوری، پرکاری و کم‌توقعی و امید و آمادگی دائمی را در جامعه می‌دمد و رحمت و مغفرت الهی را به دنبال خواهد داشت.

کلیدواژه‌ها: تربیت، جهاد، تربیت جهادی، قرآن، نهج‌البلاغه

* تاریخ دریافت: ۹۴/۰۴/۲۱

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۸/۲۳

۱. کارشناسی ارشد، رشته علوم حدیث، گرایش، دانشگاه قرآن و حدیث (نویسنده مسئول)

Email: ali.noor.n@gmail.com

۲. استادیار دانشگاه قرآن و حدیث

Email: muhammaddowlati@yahoo.com

مقدمه

روحیه جهادی منشأ کم‌توقعی، پرکاری، استقامت، بردباری و گذشت است. این روحیه انسان را به سوی عمل خالص برای خدا هدایت می‌کند. خلأ روحیه جهادی در دوران صلح و ثبات، یک خلأ مشهود است. این خلأ منشأ بدرفتاری‌های بسیاری می‌شود. فقدان این روحیه کم‌طاقتی، راحت‌طلبی، خمودگی و وادادگی افراد و جوامع را به دنبال دارد. تربیت جهادی، عنوانی است برای تربیت انسان‌هایی با روحیه جهادی، با همه شاخصه‌هایی که در مفهوم جهاد می‌گنجد. شاخصه‌های اصلی و بنیادین در مفهوم جهاد عبارت‌اند از: تلاش و سخت‌کوشی، جلب رضای خدا، مقابله با دشمن خدا. اگر این شاخصه‌ها زیربنای تربیت انسان قرار گیرد، می‌توان وی را در زمره مجاهدین فی سبیل الله قرار داد و اگر فردی در زمره مجاهدین قرار گرفت، خود خداوند ادامه راه تربیت او را بر عهده می‌گیرد؛ چراکه قرآن می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾^۱

قرآن کریم به عنوان راهنمای اصلی در مسائل انسانی، مؤمنان را همواره به قیام و جهاد برای خدا و داشتن روحیه جهادی دعوت می‌کند و گستره آن را مشخص می‌نماید.

نهج‌البلاغه و کلام امیرالمؤمنین علیه السلام نیز آینه‌ای تمام‌نما از این روحیه و این روش تربیتی است. امام علی علیه السلام، اسطوره مجاهدت و تلاش بی‌وقفه در راه خدا، همواره بر آن بود تا انسان‌ها را در جامعه تحت ولایتش، از سستی و خمودگی رهانده و جهادی تربیت کند. خطبه‌ها و توصیه‌های امام در نهج‌البلاغه که به جهاد، مبارزه و شهادت در راه خدا دعوت می‌نماید و از سستی، دنیا طلبی، تجمل‌گرایی و تن‌پروری بیم می‌دهد، دلیلی روشن بر این مطلب است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، روحیه جهادی به عنوان راهکاری برای پیشرفت، حل مشکلات و ایستادگی در برابر دشمنان، مبنای بسیاری از حرکات ملی قرار گرفت که سبب موفقیت و پیشرفت در آن زمینه‌ها شد. دوران دفاع مقدس شاخص‌ترین دوره‌ای بود که بنا بر اقتضای جنگ تحمیلی، جهاد نظامی در کشور منجر به تربیت جوانانی با روحیه جهادی شد که امام راحل علیه السلام آن را فتح‌الفتوح انقلاب اسلامی دانستند؛ اما هرچه از آن دوران فاصله می‌گیریم، با توجه به شرایط صلح، ثبات و امنیتی که به برکت خون شهدا در کشور ایجاد شده، نسل‌های بعد، از این روحیه فاصله می‌گیرند و جامعه به سمت نازپروردگی و خمودگی سوق داده می‌شود.

اگر ما بدانیم که جهاد فقط در شرایط نظامی نیست و همان حالات و خصوصیات را که در یک مبارزه نظامی

۱. عنکبوت/۶۹.



وجود دارد، تعمیم دهیم و بر اساس آن یک مدل تربیتی برای دوران صلح و ثبات نظامی تنظیم کنیم، به مدل جامع تربیت جهادی برای همه دوران‌ها خواهیم رسید. از این رو در این پژوهش، ابتدا به بررسی مفاهیم تربیت و جهاد پرداخته شده، سپس انواع و گستره جهاد و فلسفه و اهمیت آن در فرهنگ اسلامی تبیین شده است. سپس با توجه به این مطالب، مفهومی برای تربیت جهادی ارائه و ضرورت آن بیان شده است. در پایان، آثار و پیامدهای فردی و اجتماعی تربیت جهادی از نگاه قرآن و نهج‌البلاغه بررسی شده است.

مفهوم تربیت

مفهوم واژه «تربیت» بر پرورش دادن و فراهم کردن زمینه رشد استعدادهای انسانی دلالت دارد. این واژه از ریشه «رَبُّوا» به معنای زیادت، فزونی، رشد و برآمدن گرفته شده است^۱ و کاربردهای گوناگون این ریشه، همین معنا را می‌رساند. «رَبَّيْتُ الْوَلَدَ قَرَبًا» یعنی فرزند را تربیت کردم و او رشد کرد.^۲ در قرآن کریم هم به همین معنای رشد جسمانی آمده است:

﴿وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِی صَغِيرًا﴾^۳ و بگو پروردگارا! آن دو (والدین) را رحمت کن، چنان‌که مرا در خردی پروراندند.

در کلام امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز این واژه به معنای زیادت و فزونی آمده است:^۴

إِذَا حُبِّتَ بِتَحِيَّةٍ فَحَىٰ بِأَحْسَنَ مِنْهَا وَإِذَا أُسِدِّتَ إِلَيْكَ يَدٌ فَكَافِئُهَا بِهَا يَرْبِي عَلَيْهَا وَالْفَضْلُ مَعَ ذَلِكَ لِلْبَادِي^۵؛ چون تو را درودی گویند، درودی گوی بهتر از آن؛ و چون به تو احسانی کنند، افزون‌تر از آن پاداش ده؛ و در این میان فضیلت برای کسی است که آغازکننده است. راغب اصفهانی در مفهوم تربیت می‌نویسد:

«رَبَّيْتُ» از واژه «رَبُّوا» است؛ و گفته‌اند اصلش از مضاعف یعنی «رَبَّبَ» (رَبَّبَ) بوده است. «رَبَّبَ» به معنای مالک، صاحب، مدبّر، مربّی، قیّم، سرور و مُنعم است و نیز اصلاح‌کننده هر چیز را رَبَّبَ گویند.

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان‌العرب، تحقیق: جمال‌الدین میردامادی، بیروت: ۱۴۱۴ ق؛ ج ۱۴، ص ۳۰۵.
۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ مفردات الفاظ القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داوودی، بیروت- دمشق: دارالقلم- دارالشامیه، ص ۱۸۴؛ دلشاد تهرانی، مصطفی؛ سیری در تربیت اسلامی، تهران: انتشارات دریا، ۱۳۸۷؛ ص ۲۳.
۳. اسراء / ۲۴.
۴. دلشاد تهرانی، مصطفی؛ مزرع مهر؛ موانع و مقتضیات تربیت در نهج‌البلاغه، تهران: انتشارات دریا، ۱۳۸۸؛ ص ۳۴.
۵. رضی، محمد بن حسین؛ نهج‌البلاغه، تحقیق: صبحی صالح، قم: نشر هجرت، ۱۴۱۴ ق؛ حکمت ۶۲.

«ربّ» در اصل به معنی تربیت و پرورش است؛ یعنی ایجاد کردن حالتی پس از حالت دیگر در چیزی تا به حد نهایی و تام و کمال خود برسد.^۱

آنچه در تربیت رخ می‌دهد، همین مفهوم است؛ و البته نقش ایجادی در تربیت، از آن «رب العالمین» است و جز او همه نقش‌آفرینان دارند. بر این اساس تربیت یعنی خدا را مالک و مدبر (ربّ) خویش گرفتن و به کار زدن طرح و تدبیر او در زندگی.^۲

در تربیت اسلامی، مقصد و مقصود، کمال مطلق است، بر این اساس می‌توان تربیت را چنین تعریف نمود: تربیت عبارت است از رفع موانع و ایجاد مقتضیات، برای آن که استعداد های انسان در جهت کمال مطلق شکوفا شود.^۳

بنابراین تعریف، باید توجه داشت که تربیت کردن، دست‌پرورده سازی و رام کردن نیست؛ بلکه فتح مداوم موانع رشد است.^۴ تربیت کردن، تعلیم دادن نیست؛ تعلیم عبارت است از یاد دادن؛ و متعلم فقط فراگیرنده است و مغز او به منزله انباری است که یک سلسله معلومات در آن ریخته می‌شود. ولی تربیت عبارت است از پرورش دادن؛ یعنی استعدادهای درونی که بالقوه در انسان موجود است را به فعلیت درآوردن و پروراندن.^۵

حاصل کلام آن که تربیت یعنی رفع موانع و ایجاد مقتضیات برای به فعلیت درآمدن استعدادهای درونی و بالقوه انسان در جهت کمال مطلقش، مطابق با آنچه خدای رب العالمین برای وی در نظر گرفته است.

مفهوم جهاد

جهاد (به کسر ج) از ریشه «جَهَدَ» به معنای تلاش و کوشش کردن در کاری به حد کمال است و اجتهاد به معنای به کارگیری همه توان در طلب چیزی است.^۶ همچنین واژه «جهاد» و «مجاهدت» به معنای محاربه و مدافعه دشمنان است و چون صیغه مبالغه است، به معنای به کارگیری همه توان و وسع و طاقت

۱. راغب اصفهانی؛ پیشین؛ ص ۱۸۴.

۲. باقری، خسرو؛ نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران: انتشارات مدرسه، ۱۳۹۲؛ ج ۱، ص ۶۳.

۳. دلشاد تهرانی، مصطفی؛ سیری در تربیت اسلامی، پیشین؛ ص ۲۵.

۴. کریمی، عبدالعظیم؛ هشتادارها و نکته‌های تربیتی، تهران، ۱۳۸۷؛ ص ۲۴.

۵. مطهری، مرتضی؛ تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۹؛ ص ۱۶ و ص ۴۴.

۶. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد؛ النهایه فی غریب الحدیث والاثار، تحقیق محمود محمد طناحی، قم: ۱۳۶۷؛ ج ۱، ص ۳۲۱.



است در قول و فعل و نیت؛ و مراد از نیت، اخلاص عمل است برای خدا.^۱

می‌توان این واژه را در سخنان امیرمؤمنان علیه السلام در نهج‌البلاغه نیز ریشه‌یابی نمود. ایشان در نامه خود خطاب به مأمور جمع‌آوری زکات چنین می‌نویسند:

وَلَا يَجْهَدَنَّهَا رُكُوبًا؛^۲ شتر را با سواری گرفتن زیاد، به مشقت نینداز!

همچنین در جای دیگر می‌فرمایند:

وَعَنْ ذَلِكَ مَا حَرَسَ اللَّهُ عِبَادَهُ الْمُؤْمِنِينَ بِالصَّلَوَاتِ وَالزَّكَاةِ وَمُجَاهَدَةِ الصِّيَامِ فِي الْأَيَّامِ الْمُرُوضَاتِ؛^۳ و در همین زمینه است که خداوند با ناهای و زکات‌ها و مشقت‌های روزه‌داری در ایام واجب، از بندگان مؤمنش پاسداری می‌کند.

علامه حسن‌زاده آملی رحمته الله در شرح نهج‌البلاغه ذیل این خطبه، مجاهده الصیام را طاعت آوردن در برابر مشقت‌های روزه‌داری می‌داند.^۴

اما جهاد در ادبیات قرآنی و حدیثی یک مفهوم خاص دارد که همان قتال و مدافعه دشمنان الهی است و یک معنای عام دارد و آن هرگونه تلاش و کوشش در راه خداست. البته می‌توان این دو تعریف را این‌گونه با هم جمع نمود: جهاد کوششی است سخت با به‌کارگیری همه‌توان، برای به دست آوردن آنچه مورد رضای الهی است و مبارزه با هر آنچه مورد کراهت و غضب الهی است. این همان مفهوم کلی است که می‌توان در آیات و روایات آن را دنبال نمود:

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَاوَاهُمْ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ﴾؛^۵ ای پیامبر! با کافران و منافقان قتال کن و بر آنان سخت بگیر و بدان که جایگاه آنان دوزخ است و چه بد جایگاهی است.

در این آیه شریفه، جهاد به معنای خاص یعنی قتال آمده و البته می‌توان معنای عام مبارزه را نیز از آن برداشت نمود؛ یعنی همه‌توان خود را برای مبارزه با کافران و منافقان به‌کارگیر و در این راه بر آنان سخت

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ پیشین؛ ج ۳، ص ۱۳۴.

۲. رضی، محمد بن حسین؛ پیشین؛ نامه ۲۵.

۳. همان؛ خطبه ۱۹۲.

۴. هاشمی خویی، میرزا حبیب‌الله و حسن‌زاده آملی، حسن؛ منهاج‌البراعه فی شرح نهج‌البلاغه، تحقیق: ابراهیم میانجی، تهران: مکتبه الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۵۸ ش؛ ج ۱، ص ۳۶۲.

۵. توبه / ۷۳.

بگیر. در آیه دیگری خداوند می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾؛ کسانی که در راه ما مجاهدت می‌کنند، قطعاً راه‌هایمان را به ایشان نشان می‌دهیم و قطعاً خدا با نیکوکاران است.

در این آیه، جهاد به معنای عام است؛ یعنی آنان که در راه رضای ما همه‌توان خود را به کار می‌گیرند، راه‌هایمان را به ایشان نشان می‌دهیم.

امام علی علیه السلام در روایتی می‌فرماید:

الْحُجُّ جِهَادٌ كُلُّ ضَعِيفٍ وَ لِكُلِّ شَيْءٍ زَكَاةٌ وَ زَكَاةُ الْبَدَنِ الصِّيَامُ وَ جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ؛^۲
حج، جهاد هر ناتوان (در امر جنگ) است و برای هر چیز زکاتی است و زکات بدن، روزه است و جهاد زن خوب همسر داری است.

روایت بالا نشان می‌دهد که گستره جهاد وسیع‌تر از گستره نظامی است و هرگونه تلاش و تحمل مشقت در راه خدا را شامل می‌شود؛ چنان‌که حج و همسر داری از امور مشقت‌باری هستند که اگر برای جلب رضای خدا صورت گیرند، حکم جهاد را دارند.

انواع جهاد

جهاد را می‌توان از جهات مختلف تقسیم‌بندی نمود. گاه موضوع جهاد مورد نظر است، گاه ابزار آن و گاه عرصه‌ها و بسترهای آن. در متون اسلامی، جهاد بر اساس موضوع آن، به طور کلی به دو نوع تقسیم شده است: جهاد اکبر و جهاد اصغر.^۳

موضوع جهاد اصغر، مبارزه با دشمن بیرونی است و موضوع جهاد اکبر، مبارزه با دشمن درونی یا همان نفس اماره است. جهاد با هوای نفس و تمایلات شیطانی که به عنوان جهاد اکبر شناخته می‌شود، مهم‌تر از جهاد اصغر است و اگر کسی خودساخته نباشد و بر تمایلات نفس اماره مهار نزنند، در میدان جهاد اصغر، در مقابله با دشمن، تاب نیاورده و شکست خواهد خورد. در این زمینه، روایت نبوی مشهوری از

۱. عنکبوت/ ۶۹.

۲. رضی، محمد بن حسین؛ پیشین؛ حکمت ۱۳۶؛ ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی؛ تحف العقول، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق، ص ۱۱۱؛ ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی؛ من لایحضره الفقیه، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: ۱۴۱۲ ق؛ ج ۴، ص ۴۱۶.

۳. محدثی، جواد؛ جهاد و شهادت طلبی در نهج البلاغه، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۹۱ ش؛ ص ۲۲.



امیرالمؤمنین علیه السلام و امام صادق علیه السلام در کتب معتبر حدیثی نقل شده است که نقل امیرالمؤمنین علیه السلام چنین است:

إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله بَعَثَ بِسَرِيَةٍ فَلَمَّا رَجَعُوا قَالَ مَرَحِبًا بِقَوْمٍ قَضَوْا الْجِهَادَ الْأَصْغَرَ وَبَقِيَ لَهُمُ الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ قَالَ جِهَادُ النَّفْسِ وَقَالَ صلى الله عليه وآله أَفْضَلُ الْجِهَادِ مَنْ جَاهَدَ نَفْسَهُ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْهِ؛ رَسُولُ خِذَا صلى الله عليه وآله عَدَاهُ أَي رَابَهُ سَرِيهَ أَي فَرَسْتَانِدُنَا. هُنْكَامِي كَمَا أَنَا بَرِغَشْتُنْدُ، يِيَامِبِرُ فَرَمُودُنْدُ: مَرَحِبًا بِه قَوْمِي كَمَا جِهَادِ أَصْغَرَ رَا بِه أَنْجَامُ رَسَانِدُنْدُ، وَلِي جِهَادِ أَكْبَرُ هَمِچْنَانُ بَرِ أَنْ بَاقِي مَانْدُ. كُفْتَه شُد: أَي رَسُولُ خِذَا جِهَادِ أَكْبَرُ چِيَسْتِ؟! فَرَمُودُنْدُ: هَمَانُ جِهَادِ بَا نَفْسِ اسْتِ وَ هَمِچْنِيْنُ فَرَمُودُنْدُ: بَرِ تَرِيْنُ جِهَادِ، مَخْصُوصُ كَسِي اسْتِ كَمَا بَا نَفْسِ خُودِ مَجَاهِدَتِ مِي كُنْدُ.

امام علی علیه السلام نیز در باب اهمیت جهاد اکبر چنین می‌فرماید:

إِنَّ الْمُجَاهِدَ نَفْسَهُ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ وَ عَنِ مَعْاصِيهِ عِنْدَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ بِمَنْزِلَةِ بَرِّ شَهِيدٍ؛^۲ كَسِي كَمَا دَرِ رَاهِ اطَاعَتِ اَلْهِمِي وَ دُورِي اَز مَعْصِيَتِ خِذَا بَا نَفْسِ خُويْشِ جِهَادِ كُنْدُ، نَزْدِ خِذَايِ سَبِحَانِ مَنْزِلَتِ نِيكُوكَارِ شَهِيدِ رَا دَارْدُ.

پس جهاد در لغت و در آموزه‌های دینی منحصر به جهاد نظامی نیست و حداقل می‌توان آن را بر اساس موضوع به دو نوع کلی: جهاد با دشمن و جهاد با نفس تقسیم نمود؛ اما جهاد با دشمن، خود، گستره وسیعی دارد که می‌توان آن را در برخی از روایات جست‌وجو نمود.

در یک تقسیم‌بندی دیگر، می‌توان جهاد را بر اساس ابزارهای آن نیز تقسیم نمود. بر این اساس، در آموزه‌های امیرالمؤمنین علیه السلام سه محور اصلی برای جهاد با دشمن عنوان شده است: جهاد با دست، جهاد با زبان و جهاد با قلب.^۳

جهاد با دست، شامل هر اقدام عملی مبارزاتی در برابر دشمن است که انسان در راه خدا، از جان و مال خود، از روی اخلاص هزینه می‌کند. جهاد با زبان، همان امر به معروف و نهی از منکر است و جهاد با

۱. ابن بابویه، محمد بن علی؛ معانی الاخبار، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ ق، ص ۱۶۰.

۲. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد؛ غررالحکم و درر الکلم، تحقیق: سید مهدی رجایی، قم: دارالکتب الاسلامی، ۱۴۱۰ ق، ص ۲۳۲.

۳. «جَاهِدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَيْدِيكُمْ فَإِنْ لَمْ تَقْدِرُوا فَجَاهِدُوا بِأَلْسِنَتِكُمْ فَإِنْ لَمْ تَقْدِرُوا فَجَاهِدُوا بِقُلُوبِكُمْ». مغربی، نعمان بن محمد؛ دعائم الاسلام، تحقیق: آصف فیضی، قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام، ۱۳۸۵ ش، ج ۱، ص ۳۴۳.



قلب، بی‌زاری قلبی است، از هر آنچه مورد کراهت و غضب خداست. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:
وَ أَنْ يُنْصَرَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ بِقَلْبِهِ وَ يَدِهِ وَ لِسَانِهِ فَإِنَّهُ جَلَّ اسْمُهُ قَدْ تَكْفَلَّ بِنَصْرِ مَنْ نَصَرَهُ؛^۱ و این که
یاری کند خدای سبحان را با قلب و دست و زبانش؛ چرا که خدای جلیل یاری هر آن که او
را یاری کند، بر عهده گرفته است.

امام علی علیه السلام در وصیت‌نامه خود می‌نویسند:

اللَّهُ اللَّهُ فِي الْجِهَادِ بِأَمْوَالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ وَ أَلْسِنَتِكُمْ [فَإِنَّا يُجَاهِدُ رَجُلَانِ إِمَامٌ هُدَىٰ أَوْ مُطِيعٌ لَهُ
مُقْتَدٍ بِهِدَاةٍ]؛^۲ از خدا بترسید در جهاد با اموالتان و جان‌هایتان و زبان‌هایتان. پس بی‌شک
تنها دو کس جهاد کنند: امام هدایت‌گر و پیروی که از او اطاعت می‌کند و به هدایتش اقتدا
می‌نماید.

در این حدیث شریف، نکته ظریفی وجود دارد که سید رضی آن را در نهج‌البلاغه نیاورده، ولی در منابع
معتبر دیگر وجود دارد و آن قسمت دوم روایت است که می‌فرماید:

تنها دو کس جهاد کنند: امام هدایت‌گر و پیروی که از او اطاعت می‌کند و به هدایتش اقتدا
می‌نماید.

و این بیان‌گر نهایت تقدس امر جهاد است و هر تلاش و کوشش طاقت‌فرسایی را شامل نمی‌شود؛
حتی اگر به ظاهر در راه خدا باشد، ولی در پرتو ولایت و هدایت امام بر حق نباشد، نتیجه مطلوب را
نخواهد داشت؛ لذا می‌بینیم در طول تاریخ عده زیادی گمراه شدند و با نام جهاد فی سبیل الله، حتی تا
پای ریختن خون امام معصوم زمان خویش نیز رفتند و بسیاری از آن‌ها، کشته شده و به قعر جهنم سقوط
کردند. پس شرط دیگری را باید در مفهوم جهاد در نظر گرفت و آن اقتدا به پیشوا و امام بر حق است.

همان‌گونه که مشاهده شد، گستره جهاد اصغر محدود به امور نظامی نیست و می‌توان بر اساس
روایات امیرالمؤمنین علیه السلام، عرصه‌های متعددی را برای جهاد فی سبیل الله تصور نمود؛ جهاد فکری،
فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، سازندگی و ... نمونه‌های بارزی از این گستره وسیع‌اند که اقدامات قلبی،
زبانی و عملی مؤمنان را برای تقابل با دشمنان به دنبال خواهند داشت. می‌توان جهاد را در زبان فارسی
معادل «مبارزه» معنا نمود که در عرصه‌های مختلف، در تقابل با دشمن، انجام می‌گیرد.

۱. رضی، محمد بن حسین؛ پیشین؛ نامه ۵۳.

۲. همان؛ نامه ۴۷؛ کلینی، محمد بن یعقوب؛ *الکافی*، تحقیق: علی‌اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق؛
ج ۷، ص ۵۲.

در روایتی، امیرمؤمنان علی علیه السلام جهاد را بر چهار پایه استوار می‌دانند:

عَلَى الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ الصِّدْقِ فِي الْمَوْطِنِ وَ شَتَانِ الْفَاسِقِينَ؛^۱ امر به معروف، نهی از منکر، صداقت در مواضع و دشمنی با فاسقان.

حضرت آیت الله خامنه‌ای رحمته الله علیه در شرح این حکمت می‌فرماید:

راست‌گویی و صداقت در مواضع؛ درست همین معنایی است که امروز ما موضع‌گیری معنا می‌کنیم؛ یعنی انسان در مواضع سیاسی و اجتماعی صداقت داشته باشد. بنابراین «صدق در مواضع»، خودش جهاد است. یکی دیگر از شعبه‌های جهاد، «و شتاتن الفاسقین» است؛ یعنی جدا شدن از جریان فسق و کفر؛ شما به خاطر خدا خشم بگیرید، خدا هم به خاطر شما خشم می‌گیرد.^۲

فلسفه و اهمیت جهاد

دین امانت بزرگی است که باید برای وصول به سعادت، از آن پاسداری نمود و پاسداری از دین، مستلزم مجاهدت است. در مکتب اسلامی، توجه ویژه‌ای به امر جهاد شده و آیات زیادی در قرآن، به این موضوع و اهمیت آن اختصاص یافته است؛ چنان که خداوند بخش اعظمی از سوره توبه را به مذمت کسانی که در امر جهاد سستی نمودند، اختصاص داده و آنان را جزء فاسقین و ظالمین می‌داند.^۳

آب دادن به حاجیان و عمران و آبادانی مسجدالحرام از امور مقدس و با ارزش است؛ اما در آیین اسلام تکلیف‌گزینی و تکلیف‌تراشی جایز نیست. آنجا که دشمن اصل دین را نشانه گرفته، پرداختن به امور فرعی دینی، آن هم از سر عافیت‌طلبی، مصداق بارز ظلم است؛ لذاست که قرآن کریم، یکی از ملاک‌های برتری را جهادی بودن می‌داند و می‌فرماید:

﴿لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولَى الضَّرَرِ وَ الْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَ كَلَّا وَ عَدَّ اللَّهُ الْخُسْنَى وَ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا﴾^۴ مؤمنان و انشسته از جهاد که آسیب‌مند نیستند، با آنان که با مال و جان خود در راه خدا جهاد می‌کنند، یکسان نیستند؛ زیرا خداوند کسانی را که با مال و جان خود جهاد می‌کنند، در مقام و منزلت، بر و انشستگان برتری داده

۱. رضی، محمد بن حسین؛ پیشین؛ حکمت ۳۱.

۲. بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۸۳/۸/۲۰.

۳. توبه/ ۱۹ و ۲۴.

۴. نساء/ ۹۵.

و البته خدا همه مؤمنان را به فرجامی نیکو مژده داده، ولی خداوند مجاهدان را بر وانشستگان برتری بخشیده و برای آنان پاداش بزرگی مقرر داشته است.

در میان مؤمنان، عده‌ای بر دیگران فضیلت دارند، به طوری که بالاترین درجه و اجر، مخصوص آنهاست؛ ایشان مؤمنان مجاهداند. در مقابل این گروه، مؤمنان قاعد هستند که بدون عذر و حجت شرعی، جهاد را ترک کرده و به زندگی عادی و بی‌خطر و بی‌اثر خود بسنده کرده‌اند. در این آیه، خداوند آنان را نیز به پاداش متناسب با خود وعده داده، اما «اجر عظیم» را ویژه مؤمنان مجاهد می‌داند. پس می‌توان گفت که غایت تربیت، پرورش انسان‌های مؤمن مجاهد است، نه فقط مؤمن؛ انسان‌هایی که حق را شناخته و باور کرده‌اند و برای رسیدن به آن هجرت می‌کنند و در عرصه‌های رویارویی با دشمنان حق، ایستادگی و جان‌فشانی می‌نمایند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روایتی مشهور، پیرامون اهمیت روحیه جهادی، می‌فرماید:

مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَغْزُ وَلَمْ يُحَدِّثْ بِهٖ نَفْسَهٗ، مَاتَ عَلَىٰ شُعْبَةٍ مِّنْ نِّفَاقٍ؛^۱ هر کس بمیرد، در حالی که جهاد نکرده باشد و حتی در پیش خود هم آرزوی جهاد نکرده باشد، بر شعبه‌ای از نفاق مرده است.

سخنان امیرمؤمنان علیه السلام در سرتاسر نهج البلاغه و دیگر منابع روایی، مملوّ از تشویق و تحریض به جهاد و القای روحیه جهادی است. ایشان در روایتی، فلسفه و اهمیت جهاد را چنین معرفی می‌نمایند:

إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ الْجِهَادَ وَعَظَّمَهُ وَجَعَلَهُ نَصْرَهُ وَنَاصِرَهُ وَاللَّهُ مَا صَلَحَتْ دُنْيَا وَلَا دِينٌ إِلَّا بِهِ؛^۲ همانا خداوند جهاد را واجب گردانید و آن را بزرگ داشت؛ آن را مایه پیروزی و یاور خود قرار داد و به خدا سوگند دین و دنیا اصلاح نگردد، مگر با جهاد و مجاهدت.

همچنین امیرمؤمنان علی علیه السلام در روایتی مشهور می‌فرماید:

فَإِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِخَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ وَهُوَ لِبَاسُ التَّقْوَىٰ وَدِرْعُ اللَّهِ الْحَصِينَةُ وَجَنَّتُهُ الْوَيْقِقَةُ؛^۳ بی‌شک جهاد دری است از درهای بهشت که خداوند آن را برای اولیای

۱. مسلم بن حجاج؛ الصحيح، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی، قاهره: ۱۴۱۲ ق؛ حدیث ۱۹۱۰؛ محمدی ری‌شهری، محمد؛ میزان‌الحکمه، ترجمه: حمیدرضا شیخی، قم: انتشارات دارالحدیث، چاپ هفتم، ۱۳۸۶ ش؛ حدیث ۲۶۶۹.

۲. حرّعاملی، محمد بن حسن؛ تفصیل وسایل‌الشیعه الی تحصیل مسائل‌الشریعه، قم: مؤسسه آل‌البتیت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق؛ ج ۱۵، ص ۱۵.

۳. رضی، محمد بن حسین؛ پیشین؛ خطبه ۲۷؛ شهرت این حدیث چنان است که در منابعی چون: الکافی، تهذیب‌الاحکام، الغارات، دعائم‌الاسلام، معانی‌الانخبار و دیگر کتب روایی نیز آمده است.



خاص خویش گشوده و آن جامعه خویشتن داری و زره نفوذناپذیر الهی بر پیکر مجاهدان و سپر اطمینان بخش او برای آنهاست.

پس تربیت جهادی یعنی تربیت اولیای خاص الهی. جهاد همچون سپر محکم و مطمئن و زره استواری از جانب خدا، شخص و جامعه اسلامی را از هر نوع آسیبی حفظ می کند و شعبه ای از تقواست که همچون لباسی بر تن امت اسلامی می نشیند و آن را از گزند شرایط محیطی و اجتماعی زمانه، حفظ می کند تا به سلامت، افراد آن را به بهشت برساند. این همان فلسفه جهاد است که در کلام امیرالمؤمنین علیه السلام بیان شده است.

پیامدهای ترک جهاد

جامعه ای که در جهاد فی سبیل الله سستی کند و مردمانش دل به حیات دنیا خوش دارند و بر زمین سنگینی کنند، خداوند متعال چنین جامعه ای را به عذاب دردناک خود و فروپاشی و جایگزینی توسط قوم دیگر وعده داده است و این مهم ترین پیامد ترک جهاد و فقدان روحیه جهادی است.^۱ امام علی علیه السلام نیز در ادامه خطبه ۲۷ نهج البلاغه، خوار و ذلیل شدن، غرق شدن در بلاها و گرفتاری ها، با حقارت و پستی رام دشمن شدن، نادانی و سفاهت قلب، عدم توانایی حفظ حق خویش، گرفتار رنج و کمبود شدن و محرومیت از انصاف را، هفت پیامد ناگواری برای جامعه ای می دانند که جهاد در آن ترک شود و روحیه جهادی از بین برود.^۲

مفهوم تربیت جهادی

پیش از این بیان گردید که تربیت یعنی رفع موانع و ایجاد مقتضیات برای شکوفا شدن استعدادهاى انسان در جهت کمال مطلق. در تربیت، موضوع انسان است با تمام ویژگی های منحصر به فردش. تربیت با آموزش متفاوت است و مقوله ای فراتر از آن است که منجر به رفتارسازی در انسان می شود؛ در حالی که آموزش، تنها دانسته های انسان را افزون می کند، دانسته هایی که لزوماً منجر به رفتارسازی نمی شوند. در تربیت جهادی به دنبال نهادینه کردن رفتارهای مجاهدانه در انسان هستیم که در ابتدا مستلزم ایجاد نگرش جهادی در فرد است. وجود نگرش جهادی که منجر به عمل مجاهدانه شود را می توان

۱. توبه/۲۸-۲۷.

۲. «فَمَنْ تَرَكَ رَغْبَةً عَنْهُ أَلْبَسَهُ اللَّهُ تُوبَةَ الدُّلِّ وَ شَمْلَةَ الْبَلَاءِ وَ دَيْثَ الْبَلْعَارِ وَ الْقَمَاءَةَ وَ ضُرِبَ عَلَى قَلْبِهِ بِالْإِشْهَابِ وَ أُدْبِلَ الْحَقُّ مِنْهُ بِتَضْيِيعِ الْجِهَادِ وَ سِيَمِ الْحَسْفِ وَ مُعِ النَّصْفِ.»

معادل داشتن «روحیه جهادی» دانست. پس تربیت جهادی یعنی تربیت انسان‌هایی با روحیه جهادی که همواره خود را در میدان مبارزه می‌بینند؛ یعنی تربیتی که منجر به نهادینه کردن رفتارهای مجاهدانه در انسان می‌شود، با همه شاخصه‌هایی که در مفهوم جهاد می‌گنجد.

با این نگاه می‌توان گفت تربیت جهادی یعنی تربیت به روش جهادی و با ابزار جهاد که منجر می‌شود به پرورش انسان‌های جهادی؛ یعنی جهاد در این مدل تربیتی هم هدف است و هم می‌تواند وسیله باشد. همان‌طور که گفته شد، شاخصه‌های اصلی و بنیادین در مفهوم جهاد عبارت‌اند از: تلاش و سخت‌کوشی، جلب رضای خدا، آمادگی برای مقابله با دشمن خدا. البته روحیه جهادی شاخصه‌های جزئی‌تری نیز دارد که به طور خلاصه می‌توان گفت که شاخصه‌هایی از قبیل: سخت‌کوشی، دشمن‌شناسی و دشمن‌ستیزی، اخلاص، ایثار، صبر و استقامت، غیرت، بصیرت، هجرت، قناعت و کم‌توقعی، شجاعت و شهادت‌طلبی، تکلیف‌گرایی، تهذیب نفس و ولایت‌مداری، مؤلفه‌هایی هستند که می‌توان ذیل روحیه جهادی از آنان نام برد.

اهمیت تربیت جهادی

انسان در مسیر حرکت خود به سوی کمال، همواره با موانع درونی و بیرونی مواجه است. مدیریت رویارویی با این موانع و نحوه غلبه بر آنها، تعیین‌کننده تراز موفقیت وی در رسیدن به هدف غایی او در مسیر تربیت است. تربیت جهادی یعنی تربیت انسان‌هایی که هدف را شناخته و به آن ایمان دارند و برای رسیدن به هدف آرمانی خود با موانع درونی و بیرونی مبارزه می‌کنند و در این راه خستگی و سستی به خود راه نمی‌دهند. از این رو قرآن کریم شروط رسیدن به هدف آرمانی را چنین ترسیم می‌کند:

﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ أَكْبَرًا عِنْدَ اللَّهِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ﴾^۱ کسانی که ایمان آورده و هجرت کرده و در راه خدا با جان و مالشان جهاد نمودند، بالاترین رتبه را نزد خدای متعال دارند و آنها همان رستگاران‌اند.

ایمان، هجرت و جهاد، شروط رسیدن به غایت تربیت‌اند. ایمان اولین مرحله است، اما برای رسیدن به مقصد دو مرحله دیگر لازم است؛ هجرت و جهاد. هجرت نیز مقدمه جهاد است؛ یعنی لازمه تلاش و سخت‌کوشی برای رسیدن به رضای الهی و مقابله با دشمنان او، هجرت از زشتی‌ها و ناخوشایندهای الهی است، به سوی نیکی‌ها و مطلوبات الهی. اگر این سه مرحله طی شود، نتیجه‌اش بالاترین درجه



نزد خدای متعال و رسیدن به مقصد تربیتی است و تنها راه هم همین است؛ چرا که خداوند با تأکید می‌فرماید: **أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ**؛ فقط آنان رستگاراند. پس گویا تربیت جهادی یک روش خاص تربیتی نیست؛ بلکه تنها راه تربیت است و جز از این راه انسان به مقصد نخواهد رسید. در این مسیر مرگ و نیستی راه ندارد و اگر فرد بمیرد، باز هم زنده است؛ نه تنها زنده است، بلکه نزد خداست؛ نه تنها نزد خداست، بلکه از طرف خدا روزی هم داده می‌شود.^۱

برخی از اندیشمندان،^۲ جهاد را یک عامل منحصر به فرد در اصلاح و تربیت انسان می‌دانند. عوامل مختلفی در تربیت انسان وجود دارد که هر یک به تنهایی نمی‌توانند انسان را کامل کنند، اما ساختار تربیتی انسان را تشکیل می‌دهند، به طوری که عدم وجود هریک از آن‌ها، موجب ناقص ماندن این ساختار خواهد شد. وراثت، محیط، سختی‌ها و شداید، کار، عوامل ماوراءالطبیعه، اراده انسان، عبادت، محبت، تفکر، ازدواج و مراقبه از جمله مهم‌ترین عواملی هستند که علمای عرصه تربیت برای تربیت انسان برشمرده‌اند. جهاد عاملی است که در خود، سختی‌ها و شداید، کار، عبادت و تقویت اراده را می‌گنجاند و البته نقش سختی‌ها و شداید در آن پررنگ‌تر است و شاید به همین دلیل است که به تنهایی جزء عوامل تربیتی مطرح شده است.

لاجرم، راه کمال انسان، از میدان جهاد می‌گذرد^۳ و عدم برابری مؤمنان مجاهد با مؤمنان قاعد،^۴ حکایت از همین واقعیت عینی دارد؛ چرا که جهاد، خود عاملی است که بعضی از استعدادهای انسان جز توسط این عامل شکوفا نمی‌شود و تقابل، خوف و البته اخلاصی که در آن است، انسان را به تلاش و تکاپو واداشته و سرعت حرکت او را در مسیر کمال به شدت افزایش می‌دهد.^۵

۱. آل عمران / ۱۶۹: ﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أحياءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرزُقون﴾

۲. مثلاً شهید مطهری در کتاب تعلیم و تربیت در اسلام صفحه ۲۶۸، جهاد را به عنوان یکی از عوامل تربیت معرفی می‌کند.

۳. آوینی، سید مرتضی؛ گنجینه آسمانی، تهران: نشر ساقی، چاپ اول، ۱۳۸۱؛ ص ۶۵.

۴. نساء / ۹۵: ﴿لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَ الْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ﴾

۵. امام خمینی رحمته الله در این باره می‌فرماید: «در استراحت و در راحت و در این امور، انسان هی کسل می‌شود، هی خمود می‌شود، قوای انسان خمود می‌شود ... لکن وقتی که جنگی در کار می‌آید و حماسه‌ای وجود پیدا می‌کند، انسان را از آن حال خمودی و از آن حال سستی بیرون می‌کند و انسان آن واقع خودش را که فعال است و متحرک، آن واقع را بروز می‌دهد.» خمینی، سید روح الله؛ صحیفه نور؛ ج ۱۴، ص ۲۴۰.

آثار و پیامدهای فردی و اجتماعی تربیت جهادی

تربیت جهادی زیربنای اصلی پیشرفت و اقتدار یک ملت و کیمیای نجات بخش جوامع از وابستگی است. در دوران دفاع مقدس، عامل پیروزی و حفظ استقلال کشور، فراهم آمدن شرایطی بود که در آن شرایط جوانانی مجاهد و انقلابی تربیت شدند و به همین خاطر بود که امام خمینی علیه السلام، تربیت این جوانان را فتح الفتوح انقلاب اسلامی می دانستند و در حال حاضر نیز حضرت آیت الله خامنه‌ای علیه السلام بر این نکته تأکید دارند.^۱ تربیت در این بستر و با این نگاه، آثار فراوانی برای فرد و به طبع آن جامعه خواهد داشت؛ لکن در این قسمت به مهم ترین آثار و پیامدهای تربیت جهادی به صورت فردی و اجتماعی اشاره خواهیم کرد که البته مرزبندی دقیقی برای فردی یا اجتماعی بودن آن وجود ندارد و گاهی می تواند هم پوشانی داشته باشد.

الف) آثار و پیامدهای فردی

همان طور که بیان شد تربیت جهادی یعنی تربیت انسان هایی با روحیه جهادی، با همه شاخصه هایی که در مفهوم جهاد قرار می گیرد. از این رو می توان گفت مهم ترین پیامد فردی در تربیت جهادی، همین روحیه جهادی است که خود منشأ بسیاری از فضائل و شاخصه های رفتاری است؛ فضایی مانند استقامت و بردباری در شرایط سخت، مرگ نهراسی و شهادت طلبی، خودباوری و شهامت اقدام، پرکاری و کم توقعی. در این قسمت به این آثار فردی از کلام امیرالمؤمنین علیه السلام می پردازیم:

۱. استقامت و بردباری در ابتلائات و شرایط سخت

در تعریف جهاد بیان شد که جهاد از ریشه «جهد» و «جهد» است؛ اولی به معنای طاقت آوردن و تلاش و کوشش را در حد توان به نهایت رساندن و دومی به معنای مشقت و سختی است. لذا در تربیت جهادی مؤمنانی پرورش می یابند که در مشقت ها و سختی ها مقاوم بوده و نهایت توان خود را برای رسیدن به اهداف آرمانی و مکتب خود به کار می بندند؛ البته خداوند نیز در این شرایط آنان را تنها نگذاشته و با امدادهای غیبی خود پشتیبانی شان می کند و آرامش حقیقی را به آنان نازل می نماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزُنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ

۱. اصلی ترین محور پیشرفت کشور، همین است. امام بزرگوار ما در یک حادثه مهم جنگی، در قضیه یکی از عملیات ها که پیروزی ای به دست رزمندگان آمده بود، یک پیامی دادند. در آن پیام این نکته وجود داشت که فتح الفتوح انقلاب اسلامی، تربیت این جوان هاست. من همین را تکرار می کنم: فتح الفتوح انقلاب اسلامی این هاست. (بیانات در دیدار شرکت کنندگان در ششمین همایش ملی نخبگان جوان ۹۱/۷/۱۲).



الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ^۱؛ بی شک کسانی که گفتند: پروردگار ما الله است، سپس استقامت کردند (و بر موضع خود ایستادند)، خداوند فرشتگان را بر آنان نازل می کند که [به آنان القا نمایند]: نترسید و غمگین نباشید و بشارت بادشمارا به بهشتی که بدان وعده داده شده بودید.

امیرالمؤمنین علیه السلام در وصف یاران مجاهد پیامبر صلی الله علیه و آله، خطاب به خوارج چنین فرمودند:

لَقَدْ كُنَّا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَإِنَّ الْقَتْلَ لَيَكْدُرُ عَلَى الْأَبَاءِ وَالْأَبْنَاءِ وَالْإِخْوَانَ وَالْقَرَابَاتِ فَمَا نَزَدَا عَلَى كُلِّ مُصِيبَةٍ وَشِدَّةٍ إِلَّا إِيْمَانًا وَ مُضِيًّا عَلَى الْحَقِّ وَ تَسْلِيًّا لِلْأَمْرِ وَ صَبْرًا عَلَى مَضَضِ الْجِرَاحِ^۲؛ همانا، با رسول خدا صلی الله علیه و آله بودیم و به خون پدران و فرزندان و برادران و خویشاوندان دست می آلودیم و هر مصیبت و سختی بر ایمانمان و حرکتیمان بر مسیر حق و تسلیم بودنمان در برابر امر الهی و شکیبایی مان در برابر سوزش زخم‌ها می افزود.

از این کلام امام علیه السلام برداشت می شود که انسان‌های مجاهد، نه تنها در برابر سختی‌ها و مصائب، میدان را خالی نمی کنند، بلکه بر ایمان و صبر و تسلیمشان در برابر پروردگار نیز افزوده خواهد شد و این حاصل همان امداد غیبی خداوند است. این روحیه آرمانی چنانچه در افق تربیت جامعه‌ای قرار گیرد، آن جامعه همچون بنایی محکم و استوار در برابر مشکلات و موانع ایستادگی کرده و مردم آن، مقاومت خود را بر خدا و والیان امر منت نمی گذارند و همواره روحیه تسلیم و رضا بر جامعه حکم فرماست.

سختی و محنت، خود، عاملی برای تربیت انسان‌های مقاوم، صبور، توانمند و اثرگذار است و این از مهم‌ترین آثار و مزایای تربیت جهادی است. امیر مؤمنان علی علیه السلام در بیانی تمثیلی، به این موضوع اشاره می کند:

أَلَا وَإِنَّ الشَّجَرَةَ الْبَرِّيَّةَ أَصْلَبُ عُدَاً وَالرَّوَاعِيَ الْخَضِرَةَ أَرْقُ جُلُوداً وَالنَّابِتَاتِ الْعِذِيَّةَ أَقْوَى وَ قُوداً وَ أَبْطَأُ حُمُوداً^۳؛ آگاه باشید درختان بیابانی، چوبشان محکم‌تر است؛ اما درختان سرسبز که همواره در کنار آب قرار دارند، پوستشان نازک‌تر (و کم دوام‌ترند)؛ درختانی که در بیابان روئیده و جز با آب باران سیراب نمی گردند، آتششان شعله‌ورتر و پر دوام‌تر است.

۲. نهراسیدن از مرگ و شهادت طلبی

ره‌آورد دیگر تربیت جهادی، پرورش انسان‌هایی است که نه تنها از مرگ باکی ندارند، بلکه با آن انس

۱. فصلت/۳۰.

۲. رضی، محمد بن حسین؛ پیشین؛ خطبه ۱۲۲.

۳. همان؛ نامه ۴۵.

داشته^۱ و همواره آرزو دارند، جان خود را در راه خدا تقدیم کنند؛ چرا که مرگ در راه خدا را نیستی و نابودی نمی‌دانند، بلکه آن را حیات حقیقی نزد محبوب می‌دانند:

﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ﴾^۲؛ هرگز مپندارید

که کشتگان در راه خدا مرده‌اند، بلکه آنان زنده‌اند و نزد خدایشان روزی داده می‌شوند.

مؤمن مجاهدی که به حیات جاوید در سرای دیگر باور دارد، نه تنها از مرگ نمی‌هراسد، بلکه از آن استقبال می‌کند و آرزوی شهادت در راه خدا را همواره در سر دارد. شهادت طلبی از مشخصه‌های روحیه جهادی است و در فرهنگ اسلامی هرگاه سخن از جهاد و مجاهدت می‌شود، کلمه «شهادت» نیز در اذهان حاضر می‌شود. «شهادت بالاترین پاداش و مزد جهاد فی سبیل الله است.»^۳ هنگامی که انسان مجاهد، بزرگ‌ترین سرمایه وجودی خود یعنی جانش را با خداوند معامله می‌کند، می‌داند که خداوند نیز بالاترین مقام را در عوض این معامله به او عطا می‌نماید و لذا شهادت اوج اعمال مجاهدان و نقطه نهایی کمال در تربیت انسان‌های جهادی است. امام علی علیه السلام در فضیلت شهادت می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ كَتَبَ الْقَتْلَ عَلَى قَوْمٍ وَ الْمَوْتَ عَلَى آخِرِينَ وَ كُلُّ آتِيهِ مَيْتُهُ كَمَا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ فَطُوبَى لِلْمُجَاهِدِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمُتَوَلِّينَ فِي طَاعَتِهِ؛^۴ به راستی که خداوند کشته‌شدن را برای گروهی و مرگ [طبیعی] را برای گروهی دیگر مقدر فرمود و هر کس مرگش همان‌گونه که مقدر شده فرا می‌رسد. پس خوشا به حال مجاهدین در راه خدا و کشته‌شدگان در مسیر بندگی و طاعت او.

امام علی علیه السلام عاشق شهادت در راه خدا بود و گاه‌گاهی نیز این شعله عشق را به زبان جاری می‌ساخت. او به مناسبتی داستان شوق و اشتیاقش به شهادت و پیشگویی پیامبر صلی الله علیه و آله در این باره را بازگو می‌نماید که سید رضی آن را در نهج البلاغه آورده است.^۵ امام علی علیه السلام که خود اسوه مجاهدان عالم است، شوق خود به شهادت را در کلامی چنین بیان می‌کند:

إِنَّ أَكْرَمَ الْمَوْتِ الْقَتْلُ وَ الَّذِي نَفْسُ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ بِيَدِهِ لِأَلْفِ ضَرْبَةٍ بِالسَّيْفِ أَهْوَنُ عَلَيَّ مِنْ

۱. رضی، محمد بن حسین؛ پیشین؛ خطبه ۵: «وَ اللَّهُ لَأَبْنُ أَبِي طَالِبٍ أَنَسُ بِالْمَوْتِ مِنَ الطُّفْلِ بِتَدْيِ أُمِّهِ»

۲. آل عمران/۱۶۹.

۳. مقام معظم رهبری علیه السلام، بیانات در دیدار فرزندان ممتاز شهدا و جمعی از دانشجویان امامیه‌ی پاکستان، ۲۵/۵/۶۸.

۴. نصر بن مزاح؛ وقعة صفین، ص ۱۱۱؛ ابن ابی الحدید؛ پیشین؛ ج ۳، ص ۱۸۴.

۵. رضی، محمد بن حسین؛ پیشین؛ خطبه ۱۰۵۶.



مَيْتَةٌ عَلَى الْفِرَاشِ فِي غَيْرِ طَاعَةِ اللَّهِ؛^۱ همانا گرامی‌ترین مرگ‌ها شهادت است. قسم به آن‌که جان فرزند ابوطالب در اختیار اوست، هزار ضربه شمشیر [در راه خدا خوردن] بر من آسان‌تر است از مرگ در بستر، در غیر طاعت خدا.

۳. خودباوری و شهامت اقدام

خداوند متعال انسان را دارای استعدادهای فراوانی آفرید و به وی قدرت کشف و به‌کارگیری آن‌ها را در جهت رشد و کمال عطا فرمود. بنا بر فرمایش امیرالمؤمنین (علیه السلام):

الْعَالِمُ مَنْ عَرَفَ قَدْرَهُ وَ كَفَى بِالْمَرْءِ جَهْلًا أَلَّا يَعْرِفَ قَدْرَهُ؛^۲ عالم کسی است که قدر خود را بشناسد و در جهالت آدمی همین بس که قدر و ظرفیت خویش را نداند.

شناخت ظرفیت‌های وجودی انسان، وی را از سرگردانی و ناامیدی نجات داده و او را به خودباوری و اعتماد به نفس می‌رساند. اگر کسی دارای روحیه خودباوری و اعتماد به نفس باشد، با توکل به خدا بر استعدادهای خویش تکیه می‌کند و آن‌ها را به کار می‌بندد و دست‌نیاز به سوی دیگری دراز نمی‌کند و برای رسیدن به اهداف خود می‌کوشد و در برابر مشکلات و موانع پا پس نمی‌کشد و اقتدار و عزت نفس خود را حفظ می‌کند و در کارها شهامت اقدام دارد و پای در عرصه‌های خطیر می‌گذارد.

در تربیت جهادی شعار «خواستن توانستن است»، به عنوان یک اصل به فرد و جامعه القا می‌شود و افراد ظرفیت‌های وجودی و توان و استعداد‌های خود را باور داشته و در پیش‌برد امور بر آن‌ها تکیه می‌نمایند. سیره مجاهدان حقیقی راه حق نیز همواره چنین بوده که با تکیه بر توان خود و توکل و اعتماد بر خدا، بر دشمن چیره گشته و دست‌نیاز به سوی احدی دراز نمی‌کردند. سیره جهادی امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز نشان از برخورداری ایشان از خودباوری و اعتماد به نفس ستودنی دارد. در فتنه جمل، هنگامی که خبر یافت طلحه و زبیر برای جنگیدن با او به سوی بصره حرکت کردند، فرمود:

قَدْ كُنْتُ وَ مَا أُهْدِدُ بِالْحَرْبِ وَلَا أُرْهَبُ بِالضَّرْبِ وَ أَنَا عَلَى مَا قَدْ وَعَدَنِي رَبِّي مِنَ النَّصْرِ؛^۳
تا بوده‌ام کسی نتوانسته مرا از جنگ بترساند و از شمشیر بهراساند. من به نصرتی که پروردگارم وعده داده، اعتماد دارم.

در فتنه نهروان هنگامی که ایشان بر مارقین چیره گشتند و آنان را مغلوب نمودند، خطبه‌ای خواندند

۱. همان؛ خطبه ۱۲۳.

۲. همان؛ خطبه ۱۰۳.

۳. همان؛ خطبه ۱۷۴.

و در آن خطبه فرمودند:

من بودم که چشم فتنه را کور کردم و کسی جز من بر آن جرئت نداشت ... پس از من بپرسید، پیش از آن که مرا از دست بدهید.^۱

۴. پرکاری و کم توقعی

پیامد مهم دیگر در تربیت جهادی، پرورش انسان‌هایی است که در عین سخت‌کوشی و پرکاری، کم‌خرج و کم‌توقع‌اند. درست در نقطه‌ی مقابل آن، روحیه‌ی نازیبردگی، کم‌کاری، پرخرجی و پرتوقعی است. هنر تربیت جهادی آن است که خروجی آن انسان‌هایی پرکار، بردبار، کم‌مؤونه و قانع‌اند. افرادی چون صعصعة بن صوحان که امام علی علیه السلام هنگامی که به عیادت وی رفته بود، فرمود:

إِنَّكَ مَا عَلِمْتُ حَسَنُ الْمَعُونَةِ الْخَفِيفُ الْمُوْنَةُ؛^۲ تو تا آنجا که من می‌دانم، یاری‌دهنده‌ای نیکو و کم‌هزینه‌ای.

حضرت علی علیه السلام در حکمتی کوتاه به توصیف یکی از یاران مجاهدشان به نام «خَبَاب بن آرْت» پرداخته و می‌فرماید:

يَرْحَمُ اللَّهُ خَبَابَ بْنَ الْأَرْتِّ فَلَقَدْ أَسْلَمَ رَاغِبًا وَهَاجَرَ طَائِعًا وَفَنَعَ بِالْكَفَافِ وَرَضِيَ عَنِ اللَّهِ وَعَاشَ مُجَاهِدًا؛^۳ خداوند خباب پسر آرْت را رحمت کند، همانا با میل و رغبت اسلام آورد و برای اطاعت از فرمان خدا هجرت نمود و به مقدار کفافش قناعت ورزید و از خداوند راضی بود و مجاهدانه زندگی کرد.

(ب) آثار و پیامدهای اجتماعی

پیش از این بیان شد که تربیت جهادی یعنی تربیت انسان‌هایی با روحیه‌ی جهادی که منجر می‌شود به داشتن جامعه‌ای با روحیه‌ی جهادی؛ یعنی جامعه‌ای که همواره در جهت جلب رضای خدا و مبارزه با دشمنان خدا در حال هجرت، تلاش و کوشش است و در برابر سختی‌ها و مشقّت‌ها، مقاوم و صبور می‌باشد. چنین جامعه‌ای همواره در برابر مکر و کید دشمنان آماده است و هیچ‌گاه زیر بار سلطه و ستم

۱. همان؛ خطبه ۹۳.

۲. ابن عساکر، علی بن الحسن؛ تاریخ مدینة دمشق، تحقیق علی شیری، بیروت: دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۱۵-۱۴۱۹ ق، ج ۲۴، ص ۸۸.

۳. رضی، محمد بن حسین؛ پیشین؛ حکمت ۴۳.



بیگانگان نخواهد رفت. عزت حقیقی در سایهٔ چنین روحیه‌ای است و توکل بر خدا و امید به نصرت الهی همچون خونی تازه در رگ‌های چنین جامعه‌ای در حرکت است.
 بی‌شک این جامعهٔ آرمانی می‌تواند به همهٔ اهداف خود دست یابد و مورد رحمت و مغفرت الهی قرار گیرد. در این قسمت، به بررسی آثار و برکات این جامعه می‌پردازیم:

۱. آمادگی دائمی در برابر کید دشمنان

همان‌گونه که بیان شد، تقابل با دشمن یکی از شاخصه‌های اصلی در مفهوم جهاد است. هر تلاشی را جهاد نخواهند؛ بلکه جهاد، تلاش و کوششی است که برای جلب رضای خدا و در تقابل با رضای دشمنان خداست. شناخت دشمن و آمادگی در برابر هیله‌های او از اصول مهم تربیت جهادی است که ادله عقلی و نقلی زیادی بر این مطلب وجود دارد. سفارش قرآن به مرزبانی در برابر دشمنان، حجتی است که بر این مطلب دلالت دارد.^۱

بنابر این اگر مدل تربیتی جامعهٔ دینی، مدل تربیت جهادی باشد، آن جامعه خواه‌ناخواه خود را در تقابل با دشمنانش می‌بیند و هیچ‌گاه از مکر و حیلهٔ دشمن غفلت نخواهد کرد. البته این امر همواره موجب درگیری و جنگ نمی‌شود؛ بلکه موجب آمادگی برای خنثی کردن نقشه‌ها و اهداف دشمن می‌گردد. اصلاً یکی از ملاک‌های سنجش صواب از ناصواب، خیر از شر، نفع از ضرر این است که انسان دشمن و تفکر او را بشناسد؛ آنگاه آن را ترازویی برای شناخت درست از نادرست قرار دهد. در تربیت جهادی، جامعه به این بلوغ خواهد رسید و این از مهم‌ترین آثار این مدل تربیتی است. امیر مؤمنان علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ لَنْ تَعْرِفُوا الرُّشْدَ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي تَرَكُهُ^۲؛ و بدانید که شما هرگز راه رشد و کمال را نخواهید شناخت، مگر این که تارکان این راه را بشناسید.

اگر دشمن‌شناسی و جهاد از محتوای تربیتی جامعه حذف شود، آن جامعه به خواب غفلت می‌رود، در حالی که دشمنانش برای ضربه زدن به آن خواب ندارند و به راحتی می‌توانند بر چنین جامعه‌ای مسلط شوند. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

لَا يَنَامُ عَنْكُمْ وَ أَنْتُمْ فِي غَفْلَةٍ سَاهُونَ... وَ اللَّهُ إِنْ أَمَرَ أَيْمَنُ عَدُوَّهُ مِنْ نَفْسِهِ يَعْرِقُ حِمَّهُ وَ يَهْتِمُّ

۱. آل عمران / ۲۰۰: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾

۲. رضی، محمد بن حسین؛ پیشین؛ خطبه ۱۴۷.

عَظْمَهُ وَ يَفْرِى جِلْدَهُ لَعَطِيمٌ عَجْزُهُ؛^۱ چشم دشمن برای حمله به شما خواب ندارد، ولی شما در غفلت به سر می برید... به خدا سوگند آن که دشمن را بر جان خویش مسلط گرداند تا گوشتش را بخورد و استخوانش را بشکند و پوستش را جدا سازد، عجز و ناتوانی اش بسیار بزرگ و قلب او بسیار کوچک و ضعیف است.

۲. عزت اسلام و جامعه‌ای اسلامی

در سخنی، امیر مؤمنان علی علیه السلام فلسفه جهاد را عزت اسلام می‌دانند.^۲ این بیان حاکی از آن است که جز در سایه جهاد و مجاهدت، عزت اسلام و جامعه اسلامی پابرجا نخواهد ماند و تربیت جهادی که عامل پرورش انسان‌های مجاهد است به خوبی می‌تواند این امتیاز را برای جامعه اسلامی فراهم آورد.

۳. دمیده شدن روح امید در جامعه

تلاش و سخت‌کوشی از یک سو و اخلاص و خداباوری از سوی دیگر، دو اهرم محرک برای دمیده شدن روح امید به جامعه‌ای جهادی است. اگر جامعه، نهایت توان خود را برای پیشبرد اهداف خود به کار بندد و در این راه به نصرت خدای متعال باور داشته و به او توکل نماید، هیچ‌گاه دچار یأس و ناامیدی نمی‌شود. خدای متعال نیز در قرآن، مهاجران و مجاهدان راه خدا را امیدواران به رحمت الهی می‌داند.^۳

در تربیت جهادی، جامعه بیش از آن که بر روی توان داخلی خود حساب می‌کند، بر نصرت و یاری الهی حساب کرده و به آن امید دارد؛ لذا هرچقدر هم مشکلات و سختی‌های پیش رو زیاد باشد، افراد عقب‌نشینی نمی‌کنند و امید خود را از دست نمی‌دهند. در چنین جامعه‌ای همواره پویایی و نشاط در جریان است و خداوند نیز قطعاً آنان را یاری خواهد کرد.^۴ هنگامی که عمر بن الخطاب برای جنگ با ایران و کثرت نفرات دشمن و سختی‌های پیش رویش مشورت می‌گرفت، امام علی علیه السلام خطاب به وی فرمودند:

وَأَمَّا مَا ذَكَرْتَ مِنْ عَدَدِهِمْ فَإِنَّا لَمْ نَكُنْ نُقَاتِلُ فِيهَا مَضَى بِالْكَثْرَةِ وَإِنَّمَا كُنَّا نُقَاتِلُ بِالنَّصْرِ وَ الْمُعْوَنَةِ؛^۵ و اما آنچه درباره کثرت عددشان گفتم، ما در زمان پیامبر با لشکر انبوه با کفار نمی‌جنگیدیم؛ بلکه با نصرت و یاری خداوند، وارد کارزار می‌شدیم.

۱. همان؛ خطبه ۳۴.

۲. همان؛ خطبه ۱۹۸: «فَرَضَ اللَّهُ الْجِهَادَ عِزًّا لِلْإِسْلَامِ»

۳. بقره/۲۱۸: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾

۴. خداوند متعال در سوره حج، آیه ۴۰ با تأکید می‌فرماید: ﴿وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾

۵. رضی، محمد بن حسین؛ پیشین؛ خطبه ۱۴۶.



۴. مشمول مغفرت و رحمت الهی شدن

جامعه‌ای که انسان‌های آن اهل هجرت و جهاد و تحمل مصائب آن در راه خدا باشند، یقیناً مورد رحمت و مغفرت الهی قرار می‌گیرند. این وعده حتمی الهی در قرآن کریم است:

﴿ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ هَاجَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا فُتِنُوا ثُمَّ جَاهَدُوا وَصَبَرُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ﴾^۱ بی‌شک پروردگار تو برای کسانی که پس از آزمایش شدن (شکنجه شدن توسط مشرکان) هجرت کردند؛ آنگاه جهاد نموده و صبر پیشه کردند؛ قطعاً پروردگارت بعد از طی این مراحل برای آنان غفور و رحیم است.

نتیجه‌گیری

در متون اسلامی جهاد شامل دو نوع کلی است: جهاد اصغر که در مبارزه با دشمنان خداست و جهاد اکبر که در مبارزه با خواهش‌های نفسانی است. گستره جهاد اصغر بسیار وسیع‌تر از یک مبارزه نظامی است و می‌تواند هرگونه تلاش در مقابل دشمن را شامل شود. جهاد در اسلام از اهمیت بسیاری برخوردار است به طوری که مؤمنان مجاهد بر مؤمنان قاعد برتری دارند و فقط مؤمنان مجاهد به رستگاری می‌رسند.

تربیت جهادی یعنی تربیت انسان‌هایی با روحیه جهادی که همواره خود را در میدان مبارزه می‌بینند؛ یعنی تربیتی که منجر به نهادینه کردن رفتارهای مجاهدانه در انسان می‌شود؛ یعنی تربیت انسان مؤمن مجاهد. البته جهاد خود به عنوان یک عامل تربیتی بی‌بدیل نیز مطرح است. بنابراین تربیت جهادی از این منظر یعنی تربیت در بستر جهاد، برای پرورش انسان‌های مجاهد.

تربیت جهادی آثار فردی و اجتماعی مهمی را به دنبال دارد. آثار فردی از قبیل: افزایش استقامت و بردباری در ابتلائات و شرایط سخت، مرگ‌نهراسی و شهادت‌طلبی، خودباوری و شهامت اقدام، پرکاری و کم‌توقعی؛ و آثار اجتماعی نظیر: آمادگی دائمی در برابر هیله دشمنان، عزت اسلام و جامعه اسلامی، دمیده شدن روح امید در جامعه و مشمول رحمت الهی گشتن.

در مجموع می‌توان گفت که تربیت جهادی همان نسخه کامل و جامع تربیت دینی است که محصول آن پرورش انسان مؤمن مجاهد است و می‌تواند وجه تمایز اصلی مدل تربیت ناب اسلامی، با دیگر نسخه‌های ناقص از تربیت باشد.



فهرست منابع

۱. ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبة‌الله؛ شرح نهج‌البلاغه، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ ق.
۲. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد؛ النهایه فی غریب‌الحدیث و الاثر، تحقیق: محمود محمد طناحی، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۶۷ ش.
۳. ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی؛ من لایحضره الفقیه، تحقیق: علی‌اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۲ ق.
۴. _____، معانی‌الاجبار، تحقیق: علی‌اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳ ق.
۵. ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی؛ تحف‌العقول، تحقیق علی‌اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق.
۶. ابن عساکر، علی بن الحسن؛ تاریخ‌مدینه دمشق، تحقیق: علی شیری، بیروت: دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۱۹ ق.
۷. ابن منظور، جمال‌الدین محمد بن مکرم؛ لسان‌العرب، تحقیق: جمال‌الدین میردامادی، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ ق.
۸. باقری، خسرو؛ نگاه‌ی دوباره به تربیت اسلامی، تهران: انتشارات مدرسه، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۶۳.
۹. تیممی آمدی، عبدالواحد بن محمد؛ غرر‌الحکم و درر‌الکلم، تحقیق: سید مهدی رجایی، قم: دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۱۰. حرّ عاملی، محمد بن حسن؛ تفصیل وسایل‌الشیعة الی تحصیل مسائل‌الشریعه، قم: مؤسسه آل‌البتی، ۱۴۰۹ ق.
۱۱. خمینی، روح‌الله؛ صحیفه نور، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۲. دلشاد تهرانی، مصطفی؛ سیری در تربیت اسلامی، تهران: انتشارات دریا، چاپ دهم، ۱۳۸۷ ش.
۱۳. _____؛ مزرع مهر؛ موانع و مقتضیات تربیت در نهج‌البلاغه، تهران: انتشارات دریا، چاپ دوم، ۱۳۸۸ ش.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ مفردات‌الفاظ‌القرآن، تحقیق صفوان عدنان داوودی، بیروت: دارالقلم - الدار الشامیة، ۱۴۱۲ ق.
۱۵. رضی، محمد بن حسین؛ نهج‌البلاغه، تحقیق: صبحی صالح، قم: نشر هجرت، ۱۴۱۴ ق.
۱۶. فراهیدی، خلیل بن احمد؛ کتاب‌العین، قم: نشر هجرت، ۱۴۰۹ ق.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی، تحقیق: علی‌اکبر غفاری، تهران: دارالکتب‌الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۱۸. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی؛ مرآة‌العقول فی شرح أخبار آل‌الرسول، تهران: دارالکتب‌الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.
۱۹. محدثی، جواد، جهاد و شهادت‌طلبی در نهج‌البلاغه، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۹۱ ش.

۲۰. محمدی ری‌شهری، محمد؛ میزان‌الحکمه، ترجمه: حمیدرضا شیخی، قم: انتشارات دارالحدیث، چاپ هفتم، ۱۳۸۶ ش.
۲۱. مسلم بن حجاج؛ الصحيح، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی، قاهره، ۱۴۱۲ ق.
۲۲. مرتضی، مطهری؛ تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: انتشارات صدرا، چاپ شصت و پنجم، ۱۳۸۹ ش.
۲۳. مغربی، نعمان بن محمد؛ دعائم الاسلام، تحقیق: آصف فیضی، قم: مؤسسه آل‌البتی، ۱۳۸۵ ق.
۲۴. هاشمی‌خویی، میرزا حبیب‌الله؛ منهاج البراعه فی شرح نهج‌البلاغه، تحقیق: ابراهیم میانجی، تهران: مکتبه‌الإسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۵۸ ش.
۲۵. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سید علی خامنه‌ای؛ www.khamenei.ir

